

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه بحث گذشته: بحث در این بود که آیا از حدیث «علي الید» می‌توان دیدگاه مشهور مبني بر ضمان مثلي به مثل و قيمي به قیمت را برداشت کرد؟ مرحوم نائینی و مرحوم امام خمینی معتقدند که حدیث «علي الید» می‌تواند مستند دیدگاه مشهور باشد، به این بیان که در این حدیث، اداء به عنوان غایت مطرح شده است و برای این که بدانیم اداء به چه چیزی تحقق می‌یابد باید به عرف مراجعه نماییم و عرف هم می‌گوید تا زمانی که عین مال موجود است باید همان بازگردانده شود ولیکن اگر عین مال تلف شده است باید در کالاي مثلي، مثل و در کالاي قيمي، قیمت پرداخت گردد.

ادامه بحث: مرحوم خويي می‌گوید با قطع نظر از این که سند این حدیث صحیح و تمام نیست، باید توجه داشت که دلالتی بر دیدگاه مشهور ندارد، چون ظاهر آن می‌رساند که در ابتدا عین مال بر عهده ضامن می‌آید و باید همان را بازگرداند، اما زمانی که عین مال تلف شد و امکان پراخت آن نبود، ضامن به مثل منتقل می‌شود و در صورت تعدّر مثل، به قیمت انتقال می‌یابد و هیچ فرقی بین مثلي و قيمي در این مطلب نیست. ایشان از مطلب فوق استفاده می‌کنند که دیدگاهی که می‌گوید حدیث «علي الید» متعرّض ادای بدل نیست، بلکه ظاهر در وجوب بازگرداندن عین مال به مالکش است و بی‌شک چنین وجوبی با تلف عین ساقط می‌شود. (به عبارت دیگر حدیث «علي الید» فقط دلالت بر حکم تکلیفی دارد)، باطل است و این حدیث هم حکم تکلیفی و هم حکم وضعی را بیان می‌کند [1]

احتمالات در دلالت حدیث «علي الید»

شایسته است که در هر مسأله، پیش از بیان دیدگاه‌ها به احتمالات در آن مسأله توجه نمود. در این جا با فرض این که حدیث «علي الید» حکم وضعی ضامن را بیان می‌کند، سه احتمال نسبت به دلالت آن می‌توان مطرح کرد:

نخست، این حدیث دلالت می‌کند که ضامن باید مالی که تلف شده است را ادا نماید، لیکن نسبت به این که مضمون به چه چیزی است باید به عرف مراجعه نمود و عرف هم می‌گوید، ضامن مثلي به مثل و قيمي به قیمت است. مرحوم نائینی و مرحوم امام خمینی این احتمال را پذیرفته و اثبات می‌کنند.

[2] دوم، احتمال دوم چنان که مرحوم خويي به عنوان دیدگاه خود مطرح نموده این است که حدیث «علي الید» دلالت بر ادای عین مال متعدّر و تلف شد باید مالی که از نظر عقل نزدیک‌تر به عین مال است (أقرب الي المال عقلاً) پرداخت گردد و از نظر عقل نزدیک‌ترین به عین مال، مثل همان مال است و در صورتی که مثل، متعدّر بود باید قیمت پرداخت شود و در این حکم تفاوتی بین کالاي مثلي و قيمي نیست. [3] سوم، حدیث «علي الید» فقط اصل ضامن را بیان می‌کند و نسبت به مضمون به و این که مثلي باشد یا قيمي ساکت است و از این جهت اجمال دارد چنان که قاعده «من ألتف مال الغير فهو له ضامن» فقط دلالت بر اصل ضامن دارد. به نظر می‌رسد که احتمال سوم موجّه‌تر باشد و از آنجا که مطابق این احتمال، حدیث «علي الید» از جهت مضمون به اجمال دارد باید برای رفع اجمال به سیره عقلاء مراجعه کرد. بنابراین به نظر ما هیچ يك از ادله ضامن، دلالت (اعم از مطابقی و التزامی) بر دیدگاه مشهور (ضامن مثلي به مثل و قيمي به قیمت) ندارد و فقط اصل ضامن را بیان می‌کند، برخلاف مرحوم نائینی که معتقد است همه ادله ضامن به دلالت التزامی، دیدگاه مشهور را ثابت می‌نماید [4] پاره‌ای بر این عقیده‌اند که حدیث «علي الید» فرض تلف مال را بیان نمی‌کند بلکه می‌گوید هر کس مال دیگری را گرفت باید بازگرداند و لیکن به نظر ما

فرض تلف مال را هم شامل می‌شود و بیان می‌کند که ضامن تا زمان تلف است، اگر چه نسبت به مضمون به احتمال اجمال دارد. نکته: فقیهان در معنای ضمان اختلاف دیدگاه دارند؛ 1 - شیخ انصاری ضمان را تدارک و خسارت شیء مضمون بر عهده ضامن می‌داند. 2 - شیخ طوسی و علامه حلی و مرحوم تستری می‌گویند که ضمان عبارت است از این که: «مال تلف شود در حالی که مملوک ضامن است» به عنوان مثال در فرض تلف مال در دست غاصب، معاوضه قهری محقق می‌شود به این صورت که مال تلف شده، یک لحظه پیش از تلف در ملک غاصب قرار می‌گیرد و عوض آن به ملک صاحب مال تلف شده منتقل می‌شود.

3 - محقق نائینی معتقد است که ضمان عبارت است از این که مال در ذمه شخص قرار بگیرد.

4 - مرحوم آخوند و مرحوم اصفهانی و محقق بروجردي ضمان را قرار گرفتن مال بر عهده ضامن می‌دانند.

5 - مرحوم امام خمینی ضمان را قرار گرفتن مال بر عهده گیرنده (آخذ) می‌داند. [5]

[1]. «لا دلالة فيه علي مذهب المشهور أعني به الحكم بضمان المثل في المثلي و ضمان القيمة في القيمي لأن الظاهر منه هو ثبوت العين بدءاً في عهدة الآخذ و إذا تعذر في عهدة الآخر و إذا تعذر أدائها بعينها انتقل الضمان الي المثل و إذا تعذر المثل أيضاً انتقل الي القيمة من غير فرق في ذلك بين المثلي والقيمي... وقد ظهر مما ذكرناه فساد ما قيل من أن حديث ضمان اليد غير متعرض لأداء البدل بل هو ظاهر في وجوب ردّ العين الي مالکها ولا شك في أن هذا الوجوب يسقط بتلف العين» مصباح الفقاهة، ج1، ص 146.

[2]. منية الطالب في حاشية المكاسب، ج1، ص 135 و کتاب البيع، ج1، ص 488. مرحوم امام خمینی معتقد است که اداء در نزد شارع همان اداء در نزد عرف است و اگر شارع نوع دیگری از اداء را در نظر داشت باید بیان می‌کرد.

[3]. مصباح الفقاهة، ج3، ص 146.

[4]. «فالعمدة نفس ادلة الضمانات و هي إن لم تكن متكفلة بالدلالة المطابقة لكيفية الضمان إلا أنها تدلّ عليها بدلالة الإلتزام» منية الطالب في حاشية المكاسب، ج1، ص 135.

[5]. ر. ک: سید جواد حسینی خواه، قاعده ضمان ید، تقریرات دروس استاد معظمّ حاج شیخ جواد فاضل لنگرانی، صص 95 -